

## تجلی آثار، افکار و اندیشه های نظامی بر دیوان ملاحقعلی سیاهپوش

طاهره حسنی<sup>۴۸</sup>

### چکیده

مقاله‌ی حاضر به بررسی تجلی آثار، افکار و اندیشه های نظامی بر دیوان ملاحقعلی سیاهپوش با استفاده از روش کتابخانه ای پرداخته است. اهمیت موضوع در این است، بخشی از ادبیات بومی که کمتر بدان توجه شده را می شکافد، و نشان می دهد که شاعران محلی و بومی تا چه حد با شاعران بزرگ، عقاید و سبک آنها ارتباط عمیق برقرار کرده‌اند. از سوی دیگر ملاحقعلی با آثار غنی، تأثیرپذیری از نظامی را به نمایش گذاشته است. با وجود گذشت زمان اندیشه های شاعرانی مانند نظامی هنوز به حیات خود ادامه می دهند و تجلی آثار او را بر دیوان این شاعر لک زبان (لرستانی) قرن ۱۳ هجری. قمری به وضوح مشاهده می کنیم.

کلید واژگان: آثار، اندیشه، نظامی، ملاحقعلی

<sup>۴۸</sup> عضو علمی دانشگاه پیام نور لرستان [Hassani\\_tahereh@yahoo.com](mailto:Hassani_tahereh@yahoo.com)

مقدمه:

حکیم الیاس بن یوسف از بزرگترین داستانسرایان ایران است که در قرن ششم هجری می زیست، خمسه یا پنج گنج نظامی که در بردارنده ی (مثنوی های مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندرنامه) است. او را جاودان ساخته. چنانکه خواص او را آینه ی غیب می نامیدند. وفات او در سال های بین ۶۰۳ تا ۶۰۶ اتفاق افتاد.

نظامی توانست داستانسرایی را به حد اعلای کمال برساند وی در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب و ترکیبات تازه و ابداع و اختراع معانی و مضامین نو و دلپسند قدرت تصویرسازی و تبحر خاصی توفیق یابد. «نظامی عارفی است زاهد و زاهدی است عارف، انسانی است کامل و کاملی است خداشناس، معرفت خدا سراسر هستی اش را فرا گرفته است.» ( زنجانی، ۱۳۷۷، ص ۸)

شاعران زیادی بعد از وی پیرو او به شمار می روند. امیرخسرو دهلوی، خواجوی کرمانی، جامی و وحشی بافقی، ملاحقعلی سیاهپوش و...

ملاحقعلی فرزند میرزااحمد، از طایفه سیاهپوش است. او به ادب و عرفان دل بسته و مشهور گردید. بنا به شواهد در دهه ی سوم، نیمه اوّل قرن سیزدهم متولد شده و تا اوایل نیمه اول قرن چهارم می زیسته، او با قرآن و زبان عربی آشنایی داشته است. استاد او پدرش بود. آثار ملاحقعلی عبارتند از دیوان اشعار که به زبان لکی سروده شده و دیوان شعر فارسی او شامل (قصاید، غزلیات، مثنوی و ...) و دو منظومه ی بلند به نام گل و هرمز، بوم و بلبل می باشد.

در شعر ملاحقعلی روانی و دلپذیری و لطافت طبع و رقیق بودن احساسات موج می زند. او به گونه ای از اصطلاحات و کلمات سود جسته که حکایت از ابتکار او دارند.

به عنوان نمونه : گل چویر، سنگ الحد، لیل (معشوقه)، سور، کتل (تنه ی درخت)، مرا به گل برد (کشت). شاعران لک زبان بسیاری از ملاحقعلی تقلید کردند.

اهمیت مقاله ی حاضر در این است که در گذشته پژوهش هایی در خصوص تجلی آثار و افکار نظامی بر ملاحقعلی سیاهپوش صورت نگرفته است بنابراین نگارنده در صدد است تا دریچه ی جدیدی فراروی خوانندگان بگشاید. تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه ای به بررسی موضوع پردازد.

تجلی آثار، افکار اندیشه های نظامی بر دیوان ملاحقعلی سیاهپوش :

«نظامی درک کرده است که تأثیر نیروی القای صور خیال در صورت تکرار نقصان می‌یابد لذا برای تقویت تأثیر صور خیال شناخته شده کوشش کرده، و ذهن وقاد و قدرت بی نظیر این حکیم بزرگ نمونه های تازه و جالبی نیز ساخته است.» (زنجانی، ۱۳۷۷، ص ۲۱)

مناجات و ستایش خدا در دیوان ملاحقعلی نشأت گرفته از مخزن الاسرار است. او در مناجات و ستایش خدا اشعاری سروده ضمن اینکه خدا را ستایش کرده، پروردگار را بسیار عالی وصف نموده است. این اشعار مشخص می کند که او به مخزن الاسرار نظر داشته و از معنی و مضمون آن بهره گرفته است. ملاحقعلی هم مانند نظامی در مناجات ۲ و ۱ در ستایش و وصف خدا کوشیده و بلافاصله بعد از مناجات خدا در معراج رسول خدا (ص) اشعاری را سروده، او نیز به همین صورت عمل کرده البته به زبان لکی سروده و ابتکار نیز از خود نشان داده است. فضای عرفانی بر این اشعارش حاکم است. نمونه از مخزن الاسرار نظامی:

اوّل او اوّل بی ابتداست  
اوّل و آخر به وجود و حیات

آخر او آخری انتهاست  
هست کن و نیست کن کاینات

(زنجانی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷)  
نمونه از دیوان ملاحقعلی:

قدرت کارتن، قدرت کارتن  
توانایی که قدرت انجام هر کاری را دارد ازلی که ذات او قدیم است و توانایی که قدرت انجام هر کاری را دارد.

قدیمی قادر، قُدْرَت کارتن

شاهی بوشوکت لایزالی وه  
پادشاهی که عظمت و شوکت او لایزالی است. دانایی که در حکم کردن مثل و مانند ندارد. (حقیقی مقدم، ۱۳۷۹، ص ۲۲)

حکیمی بو حکم بی مثالی وه

در وصف معراج حضرت محمد(ص) چند بیت را به صورت نمونه از نظامی بیان می کنیم.

نیم شبی کان ملک نیمروز  
کرد روان مشعل گیتی فروز

نه فلک از دیده عماریش کرد  
زهره و مه مشعله داریش کرد

کرد رها در حرم کاینات  
هفت خط و چارحد و شش جهات

روز شده در قدمش در وداع  
چون دو جهان دیده بر و داشتند  
ز آمدنش آمده شب در سماع  
سر ز پی سجده فرو داشتند  
(نظامی، ۱۳۷۸، ص ۶)

نمونه از ملاحقعلی:

یَکَ یَکَ فِرْشَتِه سَمَا وَاتِه وَه  
وَ پا بُوسِ پایِ او مِهاتِه وَه

تک تک فرشته ها در آسمان به پابوس حضرت محمد(ص) می آمدند.  
وین و یر دژ طاق دُویمی و دَو  
چون (آن حضرت) از طاق اول گشت. عطار در طاق دوم تحمل نکرد و با ادب و احترام و ستایش به پیشواز رسول الله رفت.

طاق سیم چي زهره پاش بوسا  
تا لاوانه چرخ چارمین هوسا

وقتی به طاق سوم رسید زهره پایش را بوسید. و هنگامی که به آسمان چهارم رسید آنجا توقف کرد.  
خورشید سرنه سُم بُراق ساواوه  
خورشید سرش را به سم اسب پیامبر (ص) می مالید و نور و روشنایش را از شکوه احمد می گرفت.  
زَنرگِه وَنورِدِ شیرِ قویِ دِل  
چنی ساق عرش گفت او تَزکزل  
در برابر عظمت آن شیر مرد شجاع، عرش به پایین پای او نزول کرد.

(ملاحقعلی، ۱۳۷۹، ص از ۲۷ تا ۳۷)

ملاحقعلی در منقبت امام علی (ع) اشعار نغزی را سروده و حضرت علی را در معراج رسول (ص) دخیل دانسته، که بار معنایی زیادی دارند. در وصف واقعه ی کربلا حتی فلک را در شهادت شهیدان مقصر دانسته، او علاوه بر تأثیر از قالبها و معانی و مضامین به اسامی مثنوی های نظامی در اشعارش به عنوان نماد اشاره می کند به: لیلی، مجنون، خسرو، شیرین، فرهاد، اسکندر، بهرام و این خود شاهد این مدعاست.

محتوای اشعار ملاحقعلی: موضوعاتی چون توحید، مدح، منقبت معصومین، مرثیه، استغفار نامه و حقانیت مرگ، بی وفایی دنیا، مدح همراه با پند و اندرز شکایت از پیری و گذشت جوانی و سفارش به غنیمت شمردن لحظات عمر است.

ملاحقعلی هم مانند نظامی دنیا را بی وفا و غدار معرفی می کند و بوقلمون صفت می خواند و کسی که خود را به آن مشغول سازد پشیمانی و حسرت دچارش می شود زیرا دنیا با رنگارنگیش انسان را می فریبد.

ملاحقعلی همانند نظامی معشوق را خیلی عالی وصف کرده در جایی معشوق (زن) را به باغ تشبیه کرده او معشوقه را به لیلی و خودش را به مجنون تشبیه می کند.

تو لیلِ عامر، من دیوانه تو  
صَرَعی سرگردان ویران یا نه تو  
تو لیلی از قبیله‌ی عامر هستی و من مجنون (دیوانه وار) عاشقم، مانند تندبادی سرگردان و خراب خانه  
ی تو هستم.

رَشوخی تمام، ژَنازکی طی  
شِبَاهَت رَحْسَن لیل و شیرین ری  
بسیار مزاح می کنی و آنقدر لطافت داری، مانند لیلی از قبیله ی طی و به زیبایی شیرین ارمنی از ری هستی. (حقیقی مقدم، ۱۳۷۹، ص ۴۲۲)

مژه تا به هم برزنی، روزگار  
سری را کند بر زمین پای بند  
درآرد ز منظر یکی را به چاه  
کند هر زمان چندبازی بسیج  
از این توسنی به که باشیم رام  
جهان در جهان خلق بسیار دید  
بجهان آن کسی راست کاندرا جهان  
(حمیدیان، ۱۳۷۶، ص ۵۲۱، شعر از شرفنامه نظامی)  
فَلکِ نَه دَوَرَن، فِلکِ نَه دَوَرَن  
دَوَرانِ فِلکِ، دایمِ نَه دَوَرَن

روزگار همیشه یک جور نمی چرخد، روزگار همیشه یک جور نمی چرخد، گردش فلک همیشه یک نواخت نیست.

گاهی فرهادن گاهی مجنونن ای هامه شوه راهی یکشونن

گاهی فرهاد و گاهی مجنون مشهور می شود. اول و آخر راه یکی است. (زوال دنیا)

گاه شفا گاخوف گا خم گا دردن فنن فریون چوین بازی نردن

گاهی سلامت اند و گاهی می ترسند، گاهی اندوهگین و گاهی دردمندانه، مانند فریون حيله گزند و مانند بازی نرد عاقبتش معلوم نیست.

گاساز سویرن گا شور شوینن چرخ چپی گرد کارش هر اینن

گاهی مشغول جشن و شادمانی اند و گاهی درشیون وزاری غوطه ورنند روزگار همیشه یکنواخت نمی چرخد و کارش گردش است. (حقیقی مقدم، ۱۳۷۹، ص ۱۶۹)

چند نمونه از اسکندرنامه نظامی:

سکندر به تدبیر دانا وزیر به کم روزگاری شد آفاق گیر

وزیری چنین، شهریاری چنان جهان چون نگیرد قراری چنان

(حمیدیان، ۱۳۷۶، ص ۱۳ شعر از شرفنامه نظامی)

سکندر شه هفت کشور نماند نماند کسی چون سکندر نماند

(همان جا، ص ۷۵)

او بعضی از دوستان یا امرا و بزرگان را علاوه بر اینکه مدح نموده با سخنان پند آمیز ارشاد کرده که به سخنان حکمت آمیز و اندرزهای اخلاقی اسکندرنامه نظامی نظر داشته است.

اعتقاد وی چرخ بی مدارنکی بی عهدی وگرد کردگار نکی

به این روزگار (فلک) که معلوم نیست چرخشش یکسان باشد اعتماد نکن و عهدی را که با پروردگارت بسته ای نشکن.

مرسکندر شای اقلیم گیر نوی؟ مر وزیرش حکیم بی نظیر نوی؟

مگر اسکندر شاهی نبود که سرزمین های زیادی را فتح کرد؟ مگر وزیر بسیار دانایی نداشت که بی همتا بود؟

مَر صَاحِبِ حُكْمِ هَرِ تَدْبِيرِ نَوِي؟ مَرِ اَجَلِ نَامَا، مَرِ اَسِيرِ نَوِي؟

مگر پادشاهی نبود که هر دستوری را صادر می کرد و مدبری با درایت نبود؟ مگر اجل نیامد و او را غافلگیر نکرد؟ (حقیقی مقدم، ۱۳۷۹، ص ۱۶۰)

او همچنین از هفت پیکر نظامی تأثیر پذیرفته با تلمیحاتی که به شاه بهرام دارد می فهمیم که از هفت پیکر الهام گرفته است.

«نظامی به رمزناک بودن افسانه های هفت پیکر یا بهرام نامه اشاره کرده و می گوید ظاهر داستانها برای اهل صورت لذت بخش است و باطن آنها حامل پیامی خاص برای اهل معنی است.» (ثروتیان، ۱۳۷۷، ص ۱۶)

هر چه در نظم او زینک و بد است  
پیش بیرونیان برونش نغز

همه رمز و اشارت و خرد است  
وز درونش درونیان را مغز

(همان جا، ص ۶)

در هفت پیکر به قهرمانان داستانها از نظر روانی و ارتباط درونی و معنوی شان با خدا، توجه دارد و جنبه های اخلاقی و اجتماعی آنان را در ارتباط با جامعه و اداره کردن مورد مطالعه قرار می دهد.

ملاحقعلی مانند نظامی به عشق مجازی که به عشق حقیقی می انجامد معتقد است، او عشق را همه ی وجود انسان و سرشت را با عشق آمیخته می داند. اعتقاد دارد که اصل عشق که خداوند در وجود انسان نهاده عشق حقیقی است. ملاحقعلی از صنایع لفظی و معنوی به وفور استفاده نموده از تشبیه، استعاره، تشخیص، تلمیح، کنایه، تضاد، تناسب و ... در شعر او به وفور یافت می شود. همانطور که مثنوی های نظامی با صنایع ادبی درآمیخته اند.

از لحاظ وزن شعرهای لکی مانند آثار دیگر شاعران لک زبان، در دایره ی عروض فارسی نمی گنجد در واقع استفاده از قواعد شعر فارسی برای دریافت وزن شعرهای لکی به صورت کامل امکان پذیر نیست.

ملاحقعلی علاوه بر تأثیرپذیری از شاعران بزرگی چون نظامی از قرآن و احادیث و روایات نیز استفاده کرده و باهوش و استعداد قابل ملاحظه‌ای او علی رغم نرفتن به مکتب با کمک پدرش و الگو قرار دادن آثار شاعران بزرگ به خلق آثار ادبی زیبایی دست یافته است.

ملاحقعلی در پایان مثنوی کوتاهی در باب ازدواج امام حسن عسگری (ع) و نرجس خاتون در سال ۱۲۷۱ هجری قمری سروده ضمن فروتنی بسیار مکتب ندیدن خود را به روشنی بیان نموده است.

از لطف خدا نمود تحریر

این واقعه را مؤلف پیر

حنش زمدیحه‌ی امام است

خامیش اگر چه در کلام است

دانشوریم نبود پیشه

می گویم و گفته ام همیشه

در وفق بدان ستوه بودم

هم جنس ددان به کوه بودم

باشد که پذیرد عذرم استاد

تعلیم ز کس نکرده ام یاد

(حقیقی مقدم، ۱۳۷۹، ص ۱۷)

ملا مجموعه اشعاری دارد که نیمی فارسی و نیمی لکی سروده شده به عنوان نمونه چند بیت قابل توجه است:

دِنَانِت دُو، نِه دُر، لُولُوی لالا

لب تو بهتر از یاقوت کانی

زَادَم تا پَری تَانَسِلِ حورا

به خوبی چون توئی ناید به چشمم

مِدَارَا کَم مِدَارَا کَم مِدَارَا

وصالت دست ندهد، با خیالت

(حقیقی مقدم، ۱۳۷۹، ص ۲۰)



«از میان پنج منظومه‌ی نظامی قدما بیشتر بر مخزن الاسرار و اسکندرنامه شرح نوشته اند ولی شادروان وحید دستگردی با دقت و حوصله‌ی خاصی کوشیده است تا مشکلات معانی ابیات و مضامین همه‌ی منظومه های او را بگشاید.» (آیتی، ۱۳۷۹، ص ۲۴)

به علت قدرت نظامی در داستانسرایی، تصویرگری، مضمون آفرینی، شیوه نو و ... «گروهی از خاورشناسان درباره‌ی او کتب و مقاله هایی نوشته اند و یک یا چند منظومه را به زبانهای خود ترجمه کرده اند.» (آیتی، ۱۳۷۹، ص ۳۱)

مشاهده کردیم که نظامی حتی بر ادبیات جهان هم به گونه ای تأثیر گذاشته و به غیر از شاعران فارسی زبان، شاعران محلی و بومی چون ملاحقعلی نیز از نظامی الهام گرفته اند.

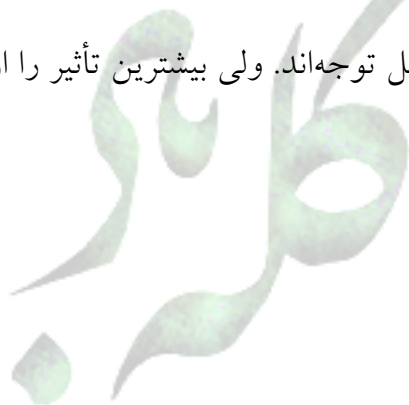
#### نتیجه گیری:

آثار حکیم نظامی گنجوی حاوی زیباترین نتایج اندیشه‌ی بشری هستند او هم شاعران و نویسندگان معاصر خود را تحت تأثیر قرار داده و هم آیندگان را متجلی از او می بینیم. قدرت اندیشه‌ی نظامی ملاحقعلی را متحول ساخته به طوری که هم از نظر مضمون، محتوا، صنایع ادبی و ... دیوانش را مشحون از تأثیر او می بینیم.

اندیشه های نظامی نه تنها در خدمت ملاحقعلی بلکه در دسترس شاعران و نویسندگان بعد از خودش قرار گرفته و با وجود تغییر سبکها و گذشت زمان هنوز اندیشه هایش به حیات خود ادامه می دهند و ماندگاری آثار نظامی باعث جاودانگی او شده است.

ملاحقعلی سیاهپوش علاوه بر تأثیر بسیاری که از آثار و اندیشه های نظامی گرفته از دیگر شاعران نیز متأثر است. مثنوی به نام گل و هرمز دارد که به یوسف و زلیخا جامی شباهت دارد. و برای سرودن این منظومه به قرآن نیز نظر داشته است.

مثنوی دیگر او بوم و بلبل به منطق الطیر عطار شبیه است. او اصل را بر سه مبنا قرار می دهد بریدن، دویدن، رسیدن، تلاشی که انسان را به مقصد می رساند. در نتیجه ملاحقعلی از شاعران بزرگ تأثیر پذیرفته و آثار زیبایی به جای گذاشته که قابل توجه اند. ولی بیشترین تأثیر را از نظامی پذیرفته است.



## فهرست منابع و مآخذ

۱- آیتی، محمد، (۱۳۷۹)، گزیده‌ی خسرو و شیرین، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و

فرهنگی

۲- ثروتیان، بهروز، (۱۳۷۷)، هفت پیکر (نظامی گنجه ای)، چاپ اول، تهران: انتشارات توس

۳- حقیقی مقدم، عبدالسعید، (۱۳۷۹)، دیوان ملاحقعلی سیاهپوش، چاپ اول، تهران: انتشارات

پیغام

۴- حمیدیان، سعید، (۱۳۷۶)، شرفنامه (حکیم نظامی گنجه ای)، چاپ اول، تهران: نشر قطره.

۵- زنجانی، برات، (۱۳۷۷)، صور خیال در خمسه نظامی، چاپ اول، تهران: انتشارات امیر کبیر.

۶-.....، (۱۳۸۱)، احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، چاپ ششم، تهران:

انتشارات دانشگاه تهران

۷- نظامی، ۱۳۷۸، کلیات حکیم نظامی گنجوی، چاپ: اول، تصحیح: وحید دستگردی، تهران:

انتشارات بهزاد